



دانشگاه گوارز و منابع انسانی

نشریه کارآفرینی در کشاورزی
جلد سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵
<http://jead.gau.ac.ir>

موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی

*تهمینه احسانی فر^۱، فرحناز رستمی^۲، نادر نادری^۳ و بیژن رضایی^۴

^۱ کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی گرایش خدمات کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه، استادیار گروه آموزش و ترویج

کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ^۲ استادیار گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشگاه رازی کرمانشاه،

^۳ استادیار گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشگاه رازی کرمانشاه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۳۰

چکیده

کارآفرینی به عنوان یکی از مهم ترین راه حل ها برای رسیدن به توسعه روستایی محسوب می شود. با توجه به اهمیت بالای بخش کشاورزی و تسلط این بخش در اغلب مناطق روستایی، سیاست گذاران و برنامه ریزان برای حل مشکلات روستاها، به کارآفرینی در بخش کشاورزی تأکید ویژه دارند. بخش کشاورزی به عنوان یکی از مهم ترین بخش های اقتصادی کشور، از پتانسیل بالایی برای اشتغال خیل عظیم جمعیت بیکار کشور برخوردار است. متأسفانه علی رغم وجود پتانسیل های موجود، عدم توجه کافی به این بخش، موجب شده که نرخ بیکاری در بخش کشاورزی افزایش یابد. شاید بتوان گفت که توجه به کارآفرینی در بخش کشاورزی می تواند راه حل مناسبی به جهت رفع این مشکل باشد. اما انجام فعالیت های کارآفرینانه با موانع و مشکلاتی زیادی رو به رو است، بر این اساس در مقاله حاضر که به روش توصیفی و کتابخانه ای انجام گرفته، سعی شده است گامی مؤثر در جهت بررسی موانع توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی و راهکارهای اجرایی آن برداشته شود. بررسی ها نشان داد که موانع توسعه کارآفرینی در این بخش شامل موانع سیاست گذاری و برنامه ریزی، موانع اقتصادی، موانع فرهنگی، موانع پشتیبانی و حمایتی، موانع آموزشی و اطلاع سانی و موانع زیرساختی هستند. همچنین

*مسئول مکاتبه: tahmineh.ehsanifar@gmail.com

برای کاهش یا رفع این موانع تعدادی راهکار در زمینه زیرساخت‌های دولتی، آموزشی، مادی و غیرمادی پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: کشاورزی، کارآفرینی کشاورزی، توسعه کشاورزی، مناطق روستایی

مقدمه

نواحی روستایی به دلیل شرایط خاص اکولوژیکی و اقتصادی-اجتماعی، با مسائل و مشکلات متعدد و متنوعی مواجه‌اند که فقر و محرومیت از مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود. با توجه به نقش‌های متعددی که روستاها در فرآیند توسعه ملی بر عهده دارند، رشد و توسعه این نواحی از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار می‌باشد (رضوانی، ۱۳۸۳). علی‌رغم تمام کوشش‌ها و تلاش‌هایی که به منظور توسعه روستاها انجام شده است، آن‌چنان که باید این امر با موفقیت همراه نبوده و راهبردهای گذشته نتوانسته‌اند مسایلی نظیر فقر، اشتغال و پایداری را رفع نمایند. از طرف دیگر، چالش‌های روزافزون رودروی کشاورزی نظیر قیمت‌های پایین کالاهای کشاورزی، افزایش هزینه‌های تولید، فشارهای زیست‌محیطی، تغییرات آب و هوا، جهانی‌سازی، صنعتی شدن، نبود برنامه‌های حمایتی از طرف دولت برای بخش کشاورزی و نوسان بازار کالاهای کشاورزی، درآمد کشاورزان خرده‌پا را روز به روز کاهش می‌دهند (McGehee, 2007; Yang, 2012). وجود چنین مشکلاتی سبب گردیده است تا سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در پی یافتن راهکارهای مناسبی برای برون‌رفت از این مشکلات و دستیابی به توسعه روستایی باشند (رضوانی، ۱۳۸۳). در این میان، کارآفرینی یکی از شاخص‌ترین راه‌ها برای توسعه روستایی به شمار می‌رود (مرادی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۶). کارآفرینی با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در مناطق روستایی و ایجاد کارهای مخاطره‌آمیز جدید، نقش مهمی در گسترده‌گی و تنوع اشتغال روستاییان دارد. با توجه به تسلط بخش کشاورزی در اغلب مناطق روستایی، کارآفرینی در این بخش از اهمیت به‌سزایی برخوردار است (ایزدی و عطائی، ۱۳۹۲)، ولی متأسفانه توجه و حمایت چندانی به کارآفرینی و کارآفرینان این بخش نشده و همین امر سبب بروز مسائل و مشکلات متعددی در مناطق روستایی گردیده است. یکی از اساسی‌ترین مشکلات بخش کشاورزی ایران در حال حاضر پایین بودن میانگین درآمد روستاییان است که علت اصلی آن به عدم قابلیت اشتغال‌زایی در این بخش برمی‌گردد. چنانچه مساله پایین بودن درآمد روستاییان حل نشود، موجب نابسامانی‌هایی از جمله افزایش فقر، نابرابری، مهاجرت و غیره می‌شود (کوپایی و دربان آستانه،

۱۳۸۱). بنابراین در حال حاضر کارآفرینی نه به عنوان تنها راه حل، ولی شاید به عنوان یکی از منحصربه فردترین راه حل های ممکن، برای حل مشکلات روستاها و بخش کشاورزی می باشد و چنانچه کارآفرینی در بخش کشاورزی مورد توجه و حمایت قرار نگیرد، نه تنها این مشکلات حل نخواهد شد بلکه با گذشت زمان بیشتر هم می شود (نوری، ۱۳۷۹). از دیگر سو، در بسیاری از کشورهای پیشرفته و نیز برخی کشورهای در حال توسعه طی چند دهه اخیر توجه خاصی به کارآفرینی شده است. علت این توجه به موضوع کارآفرینی، نقش مهم، مثبت و سازنده کارآفرینان در توسعه اقتصادی پایدار و بهره برداری از این انرژی و نیروی بالقوه در جهت مقابله با مسائل و چالش هایی نظیر تورم، رکود و به خصوص بیکاری بوده و نتایج این توجه در اغلب کشورها قابل ملاحظه است. مطالعه و مقایسه تطبیقی نتایج به دست آمده ناشی از اثرات توجه به موضوع کارآفرینی و کارآفرینان در دیگر کشورها می تواند اهمیت آن را بیش از پیش نمایان ساخته و راهنمای خوبی در استفاده از تجربه آن ها برای ایران باشد. براساس تحقیقات انجام شده در میان ۴۷ کشور صنعتی و نیز کشورهای در حال توسعه، با توجه به پنج شاخص مهم اقتصادی مرتبط با کارآفرینی شامل: درصد ایجاد اشتغال، سرانه تولید ناخالص داخلی بازار هر نفر شاغل، توانایی سرمایه گذاری مخاطره آمیز و ریسکی برای توسعه کسب و کار، میزان درک مدیران از کارآفرینی و بالاخره هزینه کل تحقیقات، تأیید شده است که بین میزان توجه به فعالیت های کارآفرینانه و بهبود شاخص های مذکور در کشورهای مورد مطالعه رابطه مثبت وجود دارد (احمدپور، ۱۳۸۳). اما برای این که یک فعالیت کارآفرینانه بتواند مسائل و مشکلات را حل کند، ابتدا باید موانع و مشکلاتی که بر سر راه این فعالیت ها است را شناسایی و برطرف کرد (هلالی مومنی و مؤذن، ۱۳۹۴). بر این اساس در مقاله حاضر که به روش توصیفی و کتابخانه ای انجام گرفته، سعی شده است گامی مؤثر در جهت شناسایی موانع توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی و راهکارهای اجرایی آن برداشته شود.

ادبیات نظری

کارآفرینی: تعاریف متعددی برای مفاهیم کارآفرین و کارآفرینی وجود دارد. از زمان انتشار اولین نوشته ها درباره کارآفرینی، هیچ گاه توافقی جامع بر سر تعریف این مفهوم وجود نداشته است، زیرا کارآفرینی پدیده ای چند بعدی است و به عنوان یک فرآیند، منبع یا وضعیت به شمار می آید (Naude, 2013). از دیدگاه جی بی سی، کارآفرین منابع اقتصادی را از عرصه هایی با مزایای پایین و تولید اندک تغییر می دهد و به سمت عرصه هایی با مزایای بالا سوق می دهد. از نظر شومپتر کارآفرینان نه تنها

نوآور می‌باشند، بلکه هماهنگ کننده تولید هستند (Toma et al., 2013). از دید شومپتر فرآیند کارآفرینی، یکی از عوامل کلیدی در توسعه یک منطقه یا کشور است. کریزور عنوان کرد که در توسعه، کارآفرین به جای این که فرصت‌ها را خلق کند، در پی این است که به فرصت‌های سودآور برسد. گیلدر عنوان کرد کارآفرین کسی است که از قوانین پنهان اقتصاد آگاه می‌باشد و باعث پیشرفت می‌شود. علاوه بر این، وی با خلق مشاغل جدید، با فقر مبارزه می‌کند. کارآفرینی فعالیتی هدفمند برای ایجاد، حفظ و توسعه یک کسب و کار، با هدف به دست آوردن سود است (فرجی و همکاران، ۱۳۹۳). برخی دیگر، از کارآفرین تصویر قهرمانی را ترسیم می‌کنند که چالش‌های اقدام کارآفرینانه را بر عهده می‌گیرد (Thromton et al., 2011). عده‌ای دیگر تعریف کلی‌تری از کارآفرینی ارائه می‌کنند، آن‌ها معتقدند کارآفرینی پاسخی نوآورانه و خلاقانه به محیط است که می‌تواند در انواع زمینه‌های اجتماعی، آموزشی، صنعتی و کشاورزی رخ دهد (Pandeti, 2005).

کارآفرینی کشاورزی: علاقه به کارآفرینی در کشاورزی به سرعت در حال افزایش است و جوامع روستایی معتقدند که رشد اقتصادی از طریق کارآفرینی اتفاق می‌افتد (Parcell and Sykute, 2003). مفهوم کارآفرینی در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات از نظر بنیادی شبیه به هم هستند، بنابراین کارآفرینی در کشاورزی به معنای به‌کارگیری خلاقیت و نوآوری در فعالیت‌های مرتبط با کشاورزی است. خلاقیت عبارت است از فرایندی که طی آن و از طریق اکتشاف یا بازترکیب منابع موجود، ایده‌های نو و مفید خلق می‌شود. منظور از نوآوری، به‌کارگیری موفقیت آمیز ایده‌های نو و مفید خلق شده به شکل تولیدات جدید، خدمات جدید یا بازار جدید است (Higgins and Morgan, 2000).

نویسنده‌ای لهستانی تعریف جامعی از کارآفرینی کشاورزی کرده است؛ وی همه فعالیت‌هایی را که به کشاورزان کمک می‌کند تا با اقتصاد بازار آزاد تطبیق یابند، فعالیت کارآفرینانه قلمداد کرده است (Richards and Bulkley, 2007). کشاورز کارآفرین در مقام فردی که کسب و کار کشاورزی یا بنگاه اقتصادی کشاورزی را سازمان‌دهی و مدیریت می‌کند و خطرهای آن را می‌پذیرد، تعریف شده است (Parcell and Sykute, 2003). بنابراین، کشاورز کارآفرین کسی است که با یک شیوه آینده‌نگری خاص، در نظر گرفتن منابع و محدودیت‌های محیطی، عبرت‌آموزی از گذشته خود و دیگران، موقعیت‌های اقتصادی و بازار مبادرت ورزیده، بر اساس نبوغ خود و با راهنمایی‌های بیرونی و فرصت‌های بالقوه و بالفعل کشاورزی می‌پردازد. از ویژگی کارآفرینان کشاورزی، روشی است که برای حل مسئله در پیش می‌گیرند؛ به باور آن‌ها، برای رسیدن به راه‌حلی خلاقانه، ابتدا لازم است مشکل اصلی یا مسئله واقعی شناخته و تعریف شود. کارآفرینان کشاورز هر مشکل را شامل دو جزء

مخاطره و فرصت می‌دانند و معتقدند که برای رسیدن به راه‌حلی مناسب، لازم است هم مخاطرات و هم فرصت‌های مسئله دقیقاً شناخته شوند و از این‌رو، نگاه آن‌ها به مسئله هم از دیدگاه یک محقق (برای شناسایی فرصت‌ها) و هم از دیدگاه یک کارآگاه (برای کشف مخاطرات) است (Kayne, 2000). البته می‌توان چنین پیش‌بینی کرد که کارآفرینی موفق در بخش کشاورزی مناطق روستایی مستلزم پیوند ناگسستنی با بخش صنعت و خدمات و به دیگر سخن، صنعتی شدن کشاورزی است، که میان بخش‌های صنعت و کشاورزی ارتباط‌های پیشین و پسین را نهادینه می‌کند. در واقع، توسعه هر کدام از این بخش‌ها در گرو توسعه بخش دیگر است، اما بدیهی است که باید توالی در توسعه بخش‌های اقتصادی رعایت شود؛ یعنی باید روند توسعه از بخش کشاورزی آغاز و سپس، به بخش صنعت کشیده شود و سرانجام نیز بخش خدمات توسعه یابد، زیرا بیشتر تخصص‌ها و مهارت‌های فردی و اجتماعی افراد در کشورهای در حال توسعه در بخش کشاورزی تمرکز یافته است (قره‌باغیان، ۱۳۷۳).

لزوم توجه به کارآفرینی در بخش کشاورزی: کشاورزی ایران به‌طور مشخص، در دهه گذشته شاهد تغییرات مداومی بوده است. در سال‌های اخیر کشاورزی ایران با چالش‌هایی نظیر: آزادسازی تجاری و در نتیجه دگرگونی در بازار، کاهش حمایت‌های دولت از تولیدکننده، افزایش رقابت در بازارهای کشاورزی جهانی، جهانی شدن، پیشرفت در زمینه فناوری‌های مرتبط، بیوتکنولوژی کشاورزی، سیاست‌های خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی ساختار دولت و در نتیجه دگرگونی در بازار کار کشاورزی و مشکلات اکولوژیکی و اقلیمی نظیر سیل و خشکسالی که باعث افزایش ریسک کار کشاورزی گردیده، مواجه بوده و هم‌چنین تغییر در ذائقه مشتریان تولیدات کشاورزی و تقاضای مشتریان کشاورزی از دیگر مواردی است که بخش کشاورزی ایران شاهد آن بوده است (Word Bank, 2004). برای رفع بسیاری از مشکلات و بحران‌های داخلی و باقی ماندن در عرصه رقابت‌های جهانی (سلجوقی، ۱۳۹۲)، سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و متخصصان بخش کشاورزی معتقد هستند که یک دگرگونی ساختاری در شیوه‌های کنونی تولید کشاورزی لازم است و کشاورزی مبتنی بر بازار در چارچوب توسعه پایدار، راهبرد اساسی برای توسعه بخش کشاورزی به حساب می‌آید. در این نوع کشاورزی، کشاورز باید به نحوی تولید کند که بتواند تولیدات خود را در بازار رقابتی که مبتنی بر خواست‌های مشتری است، بفروش رساند. به این منظور کشاورز باید فرصت‌شناس باشد و نیازهای مشتری را به درستی شناسایی کند و سپس راهبرد لازم را در جهت برآوردن این نیازها طراحی و اجرا کند، به عبارت دیگر کشاورز امروز باید کارآفرین باشد، نه اجراکننده سیاست‌های دولت (شریف‌زاده، ۱۳۸۷). از طرف دیگر، کارآفرینی با ایجاد و توسعه فناوری کشاورزی، تولید درآمد بیشتر برای کشاورزان (سلجوقی، ۱۳۹۲)،

تنوع بخشیدن به فعالیت‌های کشاورزی، بالا بردن ارزش محصولات زارعی و دامی و امکان صادرات بیشتر برای آن‌ها، کاهش ضایعات ناشی از فساد غذایی و هم‌چنین ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری، از اهمیت به سزایی در بخش کشاورزی برخوردار است (اسکندری، ۱۳۸۵). در واقع با توجه به پتانسیل‌هایی که در بخش‌های زراعت، باغداری، گلخانه، پرورش انواع دام و طیور، زنبور عسل و فعالیت‌های جنگل‌داری، آبخیزداری، حفظ و توسعه محیط‌زیست، توسعه صنایع روستایی و صنایع از جمله صنایع خانگی، دستی، کارگاهی و کارخانه‌ای، گردشگری روستایی و عشایری، فعالیت‌های مربوط به عشایر، مسکن روستایی، مکانیزاسیون در کشاورزی، اصلاح روش‌های آبیاری و توسعه روش‌های نوین آن، ماشین‌آلات کشاورزی، اجرای طرح‌های هادی و بهسازی محیط روستاها وجود دارد، می‌توان گفت که نواحی روستایی محیط بکری برای بروز کارآفرینی محسوب می‌شوند (سلجوقی، ۱۳۹۲).

چالش‌ها و موانع توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی: اگرچه کارآفرینی در کشاورزی در اصل و ماهیت خود تفاوتی با کارآفرینی در نواحی شهری یا سایر بخش‌های اقتصادی ندارد، اما مناطق روستایی از لحاظ دسترسی به امکانات رفاهی و خدماتی و دسترسی به زیرساخت‌های مناسب نسبت به مناطق شهری با محدودیت بیشتری روبرو هستند و به همین دلیل، کارآفرینی در محیط روستا به خصوص بخش کشاورزی از رشد و توسعه کمتری برخوردار بوده است (Richards and Bulkley, 2007). با تمام کمبودها و محدودیت‌هایی که مناطق روستایی با آن مواجه هستند، نباید نقش آن‌ها را در دستیابی به توسعه پایدار نادیده بگیریم، زیرا نادیده گرفتن سهم روستا و روستانشینان در امر توسعه منجر به پدید آمدن مشکلات و چالش‌های اجتماعی - اقتصادی، بروز بی‌نظمی‌ها و اضطراب‌های اجتماعی در اشکال مختلف به‌ویژه ناامنی، ناهنجاری‌های رفتاری، کج‌خلقی‌ها، بداخلاقی‌ها و بروز پدیده‌های شومی هم‌چون رشد بی‌رویه مهاجرت، افزایش میزان حاشیه‌نشینی در اطراف کلان‌شهرها و بسیاری مشکلات دیگر می‌شود (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳). همان‌طور که قبلاً هم به آن اشاره شد، یکی از بهترین راه‌ها برای برطرف کردن چنین مشکلاتی کارآفرینی می‌باشد (هلالی و مؤذن، ۱۳۹۴؛ طاهرخانی، ۱۳۷۹). علی‌رغم مزایا و منافعی که فعالیت‌های کارآفرینی و کارآفرینی در بخش‌های مختلف تولیدی و هم‌چنین بخش کشاورزی دارد، اما موانعی وجود دارد که باعث ایجاد اصطکاک در توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه و تا حد زیادی مانع از رونق بخش کشاورزی می‌شود (هلالی و مؤذن، ۱۳۹۴). بنابراین شناسایی این موانع می‌تواند در شناخت ابعاد مختلف و متعدد مرتبط با کارآفرینی روستایی و موانع اشتغال در روستاها یاریگر و سازنده باشد. هم‌چنین زمانی که این موانع شناسایی شوند می‌توانیم راهکارهای مناسبی را

برای توسعه کارآفرینی کشاورزی ارائه کنیم (طاهرخانی، ۱۳۷۹). در ادامه به برخی از مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی اشاره شده است:

موانع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی: دولت‌ها با فراهم نمودن شرایط و تسهیلات لازم برای شروع فعالیت‌های کارآفرینان نقش مؤثری در توسعه کارآفرینی می‌توانند ایفا نمایند. علی‌رغم اهمیت کارآفرینی در توسعه اقتصادی و اشتغال در کشور، تاکنون ساختار و مدیریت منسجم برای سیاست‌گذاری شکل نگرفته و مجموعه اقدامات انجام شده، به صورت پراکنده در حوزه‌های مختلف از جمله کشاورزی پیگیری می‌شود (مومنی هلالی و موزن، ۱۳۹۴). در راستای سیاست‌گذاری نامناسب در جهت توسعه کارآفرینی می‌توان به موانعی هم‌چون مقررات دست و پاگیر اخذ وام‌های بانکی، قوانین دست و پاگیر صادرات محصولات، عدم وجود امنیت برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، عدم هماهنگی لازم بین ادارات و سازمان‌های ذیربط در امر صادرات محصولات، بی‌ثباتی در سیاست‌های دولت، نامناسب بودن سیاست‌های ارزی دولت، ضعف بیمه‌ای، محدودیت‌های قوانین کار (مرادی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۶)، شناخت پایین دانشگاه از نیازها و اولویت‌های بخش کشاورزی و صنعت، توجه ناکافی به کارآفرینی در سیاست‌گذاری‌های کلان دانشگاه، توجه نکردن به پرورش خلاقیت و نوآوری در دانشجویان کشاورزی، نبود برنامه جامع توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های کشاورزی (کریمی و جوهری، ۱۳۹۲) اشاره نمود.

موانع اقتصادی: در راستای محدودیت‌های اقتصادی در جهت توسعه کارآفرینی می‌توان موانعی هم‌چون کمبود نقدینگی و فقدان سرمایه کافی، عدم حمایت بانک‌ها و موسسات مالی از واحدهای تولیدی، بهره بالای وام‌های بانکی، نوسان زیاد قیمت محصولات، بالا بودن تعرفه‌های حمل و نقل، قیمت بالای تجهیزات کشاورزی (مرادی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۶) را نام برد.

موانع پشتیبانی و حمایتی: محدودیت‌ها و موانع پشتیبانی و حمایتی هم‌چون عدم دسترسی به نهاده‌های تخصصی، عدم وجود بعضی از تجهیزات تخصصی، نبود دسترسی به موقع به سوخت (مرادی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۶)، بی‌اعتمادی بخش کشاورزی و صنعت به توانمندی‌های دانش‌آموختگان، ضعف مراکز کارآفرینی در دانشگاه، نبود حمایت کافی از طرح‌ها و ایده‌های دانشجویی از سوی دانشگاه، دیدگاه نامناسب جامعه به بخش کشاورزی، انجام ندادن پژوهش‌های کاربردی در زمینه توسعه کارآفرینی (کریمی و جوهری، ۲۰۱۳) توسعه کارآفرینی را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد.

موانع زیرساختی: عدم وجود تعاونی‌ها و تشکل‌ها، عدم وجود سردخانه برای نگهداری محصولات تولیدی، ضعف در سیستم حمل و نقل، عدم وجود مراکز تحقیقاتی مناسب، عدم وجود سیستم‌های مکانیزه بسته‌بندی (مرادی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۶) را می‌توان در غالب موانع زیرساختی نام برد.

موانع فرهنگی: از جمله موانع فرهنگی توسعه کارآفرینی حاکمیت فرهنگ دلالی و واسطه‌گری، رابطه‌مداری در توزیع نهاده‌ها و اعتبارات (مرادی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۶)، نبود فرهنگ کار گروهی و تیمی، دشواری فعالیت‌های کشاورزی در مقایسه با سایر زمینه‌های شغلی، نبود فرهنگ‌سازی مناسب در زمینه کارآفرینی در سطح دانشگاه‌ها (کریمی و جوهری، ۱۳۹۲) می‌باشد.

موانع آموزشی و اطلاع‌رسانی: موانعی هم‌چون عدم وجود خدمات مشاوره‌ای مناسب، عدم وجود برنامه‌های آموزشی- ترویجی در مورد نحوه صادرات، عدم اطلاع کافی در مورد چگونگی صادرات محصولات، فقدان اطلاعات کافی از بازارهای داخلی (مرادی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۶)، توجه کافی نکردن به دروس کارآموزی و کارورزی دانشجویان کشاورزی، پایین بودن سطح دانش مدیریتی (کریمی و جوهری، ۱۳۹۲) در ارتباط با موانع آموزشی و اطلاع‌رسانی، قابل ذکر می‌باشد. مجموع این موانع در قالب شکل ۱ آورده شده‌اند:



شکل ۱- موانع توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی (منبع: یافته‌های محقق).

برخی از راهکارهای مهم جهت توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی: به جهت کاهش یا رفع موانع کارآفرینی موجود در بخش کشاورزی، بایستی زیرساخت‌های مناسبی را برای این کار فراهم نمود یا زیرساخت‌های موجود را اصلاح کرد یا گسترش داد، زیرا اولین اصل مهم در توسعه کارآفرینی در سطح کلان، ایجاد و توسعه زیرساخت‌های مناسب برای کارآفرینان است که باعث ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر، افزایش بازدهی و بهره‌وری تولیدات روستایی و افزایش درآمد روستاییان می‌شود. نکته‌ای که در این زمینه نباید از آن غافل شد، دید نظام‌مند به وضعیت نیروی انسانی و توانمندی‌ها و نارسایی‌های فعلی این بخش می‌باشد. بر این اساس، در ادامه به بررسی مهم‌ترین این راهکارها پرداخته شده است:

اصلاح قوانین و سیاست‌های دولت: به اعتقاد متخصصان کارآفرینی، علاوه بر خانواده و نظام آموزشی که نقش مهمی در توسعه فرهنگ کارآفرینی در جامعه دارند، مسئولان کشور و نظام نیز نقش بسیار مهمی در توسعه کارآفرینی در جامعه دارند. به عقیده کارشناسان اولین وظیفه مسئولان نظام این است که سیاست‌های خود را برای توسعه کارآفرینی روشن کنند (سیدی و تقی‌خانی، ۱۳۹۰). بنابراین دولت باید با اتخاذ سیاست‌هایی هم‌چون اولویت‌بخشی به کشاورزی در برنامه‌ریزی‌های توسعه، حرکت به سوی رقابتی کردن بازار محصولات کشاورزی، کاهش / حذف و یا بازنگری در قوانین صادرات و واردات محصولات نهاده‌های کشاورزی، تقویت بخش‌های تولید، ارزش افزوده و خدمات کشاورزی و متنوع‌سازی فعالیت‌های کشاورزی و کشاورزی جایگزین، بسترهای توسعه کارآفرینی را فراهم کند (جعفری‌مقدم، ۱۳۸۳).

آموزش و ترویج کارآفرینی: آموزش کارآفرینی سیاستی است که به‌طور مستقیم بر کمیت و کیفیت عرضه کارآفرین در یک جامعه اثر می‌گذارد، به همین دلیل است که در بسیاری از کشورها به‌ویژه در کشورهای پیشرفته که تا حد امکان موانع و مشکلات برطرف شده‌اند، دولت‌ها بعد از آموزش کارآفرینی و ایجاد توان بالقوه کارآفرینی در بین مردم به شکوفایی این توانایی یعنی بالفعل کردن توان کارآفرینی پرداخته‌اند (سیدی و تقی‌خانی، ۱۳۹۰). از سوی دیگر ترویج کشاورزی می‌تواند نقش بسیار ارزنده‌ای در توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی ایفا نماید، اما مروجان باید خود دید کارآفرینانه داشته باشند. آن‌ها باید سعی کنند که به کشاورزی همانند یکی از فعالیت‌هایی که، در روستا می‌تواند به توسعه روستا کمک نماید نگاه کنند و در مناطق مختلف و براساس پتانسیل‌های منطقه و سایر عوامل تأثیرگذار بر رشد و توسعه اقتصادی منطقه، موارد استفاده جدیدی را برای زمین کشف نموده و سپس روستاییان را در راستای این‌گونه فعالیت‌های جدید هدایت نمایند (دریایی، ۱۳۹۱).

اعطای حمایت‌های مادی: پشتیبانی مادی برای فعالیت‌های کارآفرینانه یکی از معمولی‌ترین رویکردها برای ارتقای کارآفرینی در سراسر جهان است. این حمایت مادی ممکن است به‌طور خاص برای کارآفرینان که از فقدان منابع مادی که از آن به‌عنوان مانع اصلی راه‌اندازی یک کسب و کار نام برده می‌شود، مهم باشد (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۶). حمایت‌های مادی می‌تواند در راستای اجرای برنامه‌های مشاوره‌ای، اعطای مشوق‌های مالیاتی، اعطای مشوق‌های اقتصادی و وام‌های مناسب و کم بهره با دوره تنفس زیاد (جعفری مقدم، ۱۳۸۳)، بیمه محصولات کشاورزی، خرید محصولات و تولیدات داخلی و غیره انجام شود.

فراهم نمودن حمایت‌های غیرمادی: به غیر از مساعدت‌های مادی، کارآفرینان نیازمند مساعدت‌های غیرمادی نیز هستند. بخشی از این حمایت‌ها شامل زیرساخت‌های فیزیکی (توسعه سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای موردنیاز جهت اجرای مکانیزم‌های موردنظر)، نهاده‌ها و مواد اولیه موردنیاز، جاده، مخابرات، حمل و نقل و غیره هستند. بخش دیگر حمایت‌های غیرمادی از کارآفرینان می‌تواند از طریق مراکز رشد کارآفرینی باشد. مراکز رشد محیط‌های ثابتی را برای مرحله آغازین سرمایه‌گذاری‌ها از طریق ارائه فضای اداری به شکل اجاره، خدمات اداری مشترک، حمایت مشاوره‌ای کسب و کار با هزینه‌های پایین تدارک می‌بینند (دریایی، ۱۳۹۱). این راهکارها در قالب شکل ۲ ارائه شده است:



شکل ۲- راهکارهای توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی (منبع: یافته‌های محقق).

نتیجه گیری

روستاها در عصر حاضر با تحولات و تهدیدات گسترده‌ای رو به رو هستند، از این رو تضمین و تداوم حیات و بقای روستاها نیازمند راه‌حل‌ها و روش‌های جدید مقابله با مشکلات هستند که به نوآوری، ابداع، خلق محصولات، فرآیندها و روش‌های جدید بستگی زیادی دارد (پاسبان، ۱۳۸۳). بنابراین توسعه روستاها در مقایسه با گذشته، پیوند گسترده‌تری با مفهوم کارآفرینی دارد. اهمیت توسعه روستایی و نقش حیاتی آن در پیشبرد کشورها و به‌ویژه کشورهای در حال رشد، بر هیچ‌کس پوشیده نیست. با توجه به این‌که شغل اصلی بسیاری از روستائیان کشاورزی می‌باشد، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به کارآفرینی در این بخش تأکید دارند. توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی باعث تنوع‌بخشیدن به درآمد و میزان تولیدات کشاورزی و غیرکشاورزی روستائیان می‌شود و هم‌چنین فرصت‌های مناسبی را برای کاهش خطر معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم می‌کند (ایزدی و عطائی، ۱۳۹۲). بر اساس نتایج تحقیقات گذشته و بررسی‌های مقاله حاضر، توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی با موانع و چالش‌هایی روبروست. این موانع در شش دسته کلی قرار می‌گیرند؛ موانع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی که به قوانین دست و پاگیر و زائد اداری در دولت اشاره دارد، موانع اقتصادی که به مواردی مانند کمبود نقدینگی و فقدان سرمایه کافی، عدم حمایت بانک‌ها و مؤسسات مالی از واحدهای تولیدی، بهره‌بالای وام‌های بانکی، نوسان زیاد قیمت محصولات اشاره می‌کند، موانع پشتیبانی و حمایتی که شامل عدم دسترسی به نهاده‌های تخصصی، عدم وجود بعضی از تجهیزات تخصصی، و بی‌اعتمادی بخش کشاورزی و صنعت به توانمندی‌های دانش‌آموختگان و غیره است، موانع زیرساختی که اشاره به عدم وجود تعاونی‌ها، مراکز تحقیقاتی و اتحادیه‌های فعال در بخش کشاورزی دارد، موانع فرهنگی مانند حاکمیت فرهنگ دلالی و واسطه‌گری، نبود فرهنگ کار گروهی و دشواری فعالیت‌های کشاورزی در مقایسه با سایر زمینه‌های شغلی، و در نهایت موانع آموزشی و اطلاع‌رسانی که شامل عدم وجود خدمات مشاوره‌ای مناسب، عدم وجود اطلاعات کافی در مورد چگونگی صادرات محصولات، و پایین بودن سطح دانش مدیریتی می‌باشد. مجموع این عوامل سبب شده‌اند تا توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی در سایه ابهام قرار گیرد. در همین راستا، و به جهت کاهش و رفع این موانع تعدادی راهکار پیشنهاد شده است که به‌طور خلاصه عبارتند از: ۱. اصلاح قوانین و سیاست‌های دولتی شامل اتخاذ سیاست‌هایی هم‌چون اولویت بخشی به کشاورزی در برنامه‌ریزی‌های توسعه، حرکت به سوی رقابتی کردن بازار محصولات کشاورزی، کاهش

یا حذف و یا بازنگری در قوانین صادرات و واردات محصولات نهاده‌های کشاورزی، تقویت بخش‌های تولید، ارزش افزوده و خدمات کشاورزی و متنوع‌سازی فعالیت‌های کشاورزی، ۲. آموزش و ترویج صحیح کارآفرینی در سطوح مختلف توسط مروجان مجرب و کارآفرین، ۳. فراهم نمودن حمایت‌های مادی مانند اعطای مشوق‌های مالیاتی، وام‌های کم بهره، بیمه محصولات و خدمات کشاورزی و غیره، ۴. و در نهایت فراهم نمودن حمایت‌های غیرمادی مانند مراکز رشد و تسهیلات و امکانات فیزیکی. در مجموع می‌توان گفت با توجه به اهمیت توسعه کارآفرینی در عصر حاضر، هر اندازه میزان حمایت از کارآفرینان در بخش کشاورزی افزایش یابد و زیرساخت‌های بیشتری برای فعالیت‌های کارآفرینانه آن‌ها فراهم شود، توسعه روستایی در بخش کشاورزی تقویت شده، که به دنبال آن میزان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و تقاضا برای کشاورزی محلی افزایش یافته، درآمد کشاورزان بیشتر می‌شود که در نهایت سبب افزایش اشتغال و بهبود کیفیت زندگی روستاییان خواهد شد.

منابع

۱. احمدپور، م. ۱۳۸۳. تجارب کارآفرینی در کشورهای منتخب، تهران. مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲. اسکندری، ف. ۱۳۸۵. بررسی و تبیین راهکارهای توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران. رساله دکتری، نشر دانشگاه تهران.
۳. ایزدی، ن.، عطائی، پ. ۱۳۹۲. کارآفرینی روستایی و نقش ترویج و آموزش کشاورزی در توسعه آن. نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، ۱۱ (۴۰): ۳۰-۳۴.
۴. حسینی‌نژاد، ف. ۱۳۸۳. نقش زنان کارآفرین در توسعه روستایی کشورهای در حال توسعه. مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی، چالش‌ها و چشم‌اندازها، مؤسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۲۸۱-۳۰۰.
۵. جعفری مقدم، س. ۱۳۸۳. مستندسازی تجربیات مدیران (از دیدگاه مدیریت دانش) کرج. مؤسسات تحقیقات و آموزش مدیریت.
۶. حسینی‌نژاد، م. ۱۳۸۳. برآورد میزان فقر و شدت آن در گروه‌های مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۲ (۴۵): ۱۱۳-۱۱۵.

۷. دانایی فرد، ح.، فروهی، م.، صالحی، ع. ۱۳۸۶. ارتقا کارآفرینی در ایران: تحلیلی بر نقش دولت. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۴۲ (۱۱): ۲۲۱-۲۶۲.
۸. دریایی، ن. ۱۳۹۱. توسعه کارآفرینی در ایران» مفاهیم، چالش‌ها و راهکارها با تأکید بر کارآفرینی در بخش کشاورزی. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان. دانشگاه مازندران.
۹. رضوانی، م. ۱۳۸۳. مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی روستایی در ایران. تهران، انتشارات قومس.
۱۰. سیدی، ا.، تقی‌خانی، ا. ۱۳۹۰. موانع توسعه کارآفرینی و نقش دولت در تسهیل توسعه کارآفرینی. کار و جامعه، ۱۳۵ (۶): ۷۶-۸۰.
۱۱. سلجوقی، خ. ۱۳۹۲. آشنایی با کارآفرینی در کشاورزی. بازیابی شده در تاریخ ۶ دی ۱۳۹۲. موجود در: www.karafarin24.com
۱۲. شریف‌زاده، ا. ۱۳۸۷. تلفیق کارآفرینی در فرآیند توسعه پایدار کشاورزی: حرکت در راستای کشاورزی پایدار کارآفرینانه. گزارش سمینار عرضه شده در دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران.
۱۳. طاهرخانی، م. ۱۳۷۹. صنعتی شدن روستاها: سنگ بنای استراتژی آینده روستایی. تهران: اداره کل طرح‌های صنعتی و بهره‌برداری. ۹۲ - ۹۸.
۱۴. فرجی، ف.، احسانی فر، ت.، نادری، ن.، رضایی، ب. ۱۳۹۳. نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی. مجله کارآفرینی در کشاورزی، ۱ (۴): ۹۱-۱۰۴.
۱۵. قره‌باغیان، م. ۱۳۷۳. اقتصاد رشد و توسعه (جلد دوم). تهران، نشر نی.
۱۶. کوپایی، م.، دربان آستانه، ع. ۱۳۸۱. اندازه‌گیری و تحلیل بهره‌وری صنایع کوچک روستایی (مطالعه موردی: استان خراسان). مجله علوم کشاورزی ایران، ۳۳ (۴): ۶۶۱-۶۶۹.
۱۷. مرادی‌نژاد، ه.، ایروانی، ه.، شعبانعلی فمی، ح.، حسینی، م.، کافی، م. ۱۳۸۶. تحلیل موانع توسعه کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه‌ای در ایران. علوم کشاورزی ایران، ۲ (۲): ۱۷۵-۱۸۴.
۱۸. مؤمنی‌هالالی، ه.، موذن، ز. ۱۳۹۴. مروری بر موانع توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی. کارآفرینی در کشاورزی، ۲ (۱): ۱۱۱-۱۲۴.
۱۹. نوری، ه. ۱۳۷۹. تحلیل فضایی در جغرافیای کشور، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، ۸ (۳۹): ۲۰-۳۴.

20. Higgins, M., and Morgan, T. 2000. The Role of creativity in planning: the creative practitioner. *Planning Practice and Research*, 15: 1-16.
21. Kayne, J. 2000. Discussion Starter; decoding the entrepreneurship Genome. In: National Center for Rural Entrepreneurship (ed.) *Rural America*. Washington, D.C: National Center for Rural entrepreneurship.
22. McGehee, N.G. 2007. An agritourism systems model: A weberian perspective, *Journal of sustainable tourism*, 15(2): 111-124.
23. Naude, W. 2011. *Entrepreneurship and Economic Development*. Palgrave Macmillan, New York, 304.
24. Pandeti, C.M. 2005. A Study on Entrepreneurial Behavior of Farmers in Raichur District of Karnataka, Thesis Submitted to the University of Agricultural Sciences, Dharwad in Partial fulfillment of the requirements for the Degree of Master of Science (Agriculture), College of Agriculture, Dharwad, 132.
25. Parcell, Y., and Sykutamike, N. 2003. Undergraduate perceptions of Need. For an agricultural Entrepreneurship Curriculum. *Western Agricultural: Economics Association Annual Meeting*. Denver, Colorado, 13-16.
26. Richards, S., and Bulkey, S.L. 2007. Agricultural Entrepreneurs: The First and the Forgotten? Employment in Agriculture through Agro processing center: A case Study of Almora pistrict in NW Ltimalaya. *Invited Overview*, 5: 20.
27. Thromton, H., Riberio-Soriano, D., and Urbano, D. 2013. Socio-Cultural Factors and Entrepreneurial Activity an Overview *International Small Business Journal*, 29(2): 105-118.
28. Toma, S.G., Grigore, A.M., and Marines, P. 2013. Economic Development and Entrepreneurship. *Procedia Economics and Finance*, 8(2): 436-443.
29. Yang, L. 2012. Impacts and challenges in agritourism development in Yunnan, China and *Tourism Planning and development*, 9(4): 369-38.



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 3(2), 2016
<http://jead.gau.ac.ir>

Obstacles and Strategies for Entrepreneurship Development in the Agricultural Sector

***T. Ehsanifar¹, F. Rostami², N. Naderi³ and B. Rezaee⁴**

¹Graduate Student, Dept. of Management and Entrepreneurship, Razi University,

²Assistant Prof, Dept. of Agricultural Education, Razi University,

³Assistant Prof, Dept. of Management and Entrepreneurship, Razi University,

⁴Assistant Prof, Dept. of Management and Entrepreneurship, Razi University

Received: 11/5/2016 ; Accepted: 20/7/2016

Abstract

Entrepreneurship is known as one of the most significant alternatives to attain rural development. Regarding the great significance of agricultural sector and its dominance over most of other rural areas, the politicians and planners insist on entrepreneurship in agricultural sector in order to solve the problems of villages. Agricultural sector as one of the most important parts of the country's economy has a high potential to employ the largest number of the unemployed people. Unfortunately despite of the existence of the potentials, the rate of unemployment in agricultural sector has been raised due to the lack of adequate attention to it. We can perhaps say that an attention to agricultural sector can be an appropriate alternative to resolve this problem, but entrepreneurial activities face a lot of obstacles and problems. Accordingly the present paper, which is based on descriptive and library research, attempts to make an effective step forward in the survey of the barriers to entrepreneurship development in agricultural sector and its executive strategies. The studies showed that the barriers of entrepreneurship development in this sector are impediments of policy and planning, economy, culture, patronage, education and informing, and infrastructures. In this regard, two main strategies are suggested to reduce and eliminate these barriers. Also, for reducing or eliminating these obstacles, some solutions in infrastructural, educational, material and immaterial infrastructures have been suggested.

Keywords: Agriculture, Agricultural Entrepreneurship, Agricultural Development, Rural Areas

*Corresponding author: tahmineh.ehsanifar@gmail.com

